

در محضر طلایه دار تقریب



حوزه فرهنگ [خبرگزاری تقریب](http://www.taghrib.org):

19 سال ابتدای زندگی ام را در محیطی کاملاً شیعی و دور از هر گونه برخورد فکری با پیروان سایر مذاهب اسلامی و حتی به نوعی در تضاد آشکار با آنها سپری کردم.

آبان 1377 گام در مسیری نو نهادم. آشنایی با یک فرهنگ جدید و البته ناب؛ فرهنگ تقریب. از آن زمان تاکنون، 22 سال می گذرد. تمام این سالها هر روز به شناخت و درجه معرفتم نسبت به انسان های دیگر افزوده شده است.

تا قبل از آن ملاکم برای روابط، مذهب بود اما به لطف گذران جوانی ام در راه پر پیچ و خم شناخت، امروز انسانیت و اخلاق، ملاک و شاخص برتر برای ارتباط گیری های من شده است.

شاگردی و کسب فیض و دانش در محضر سه رکن و استوانه وحدت و تقریب در 50 سال گذشته؛ یعنی مرحوم علامه محمد واعظ زاده خراسانی، مرحوم آیت الله محمدعلی تسخیری و استاد دانش و اخلاق دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی از برکات مهم این 22 سال است. به فرموده امام علی(ع): الناس اعداء ما جهلوا؛ مردم با آنچه نسبت به آن شناخت ندارند، دشمنی می کنند. رهاورد این دو دهه، شناخت روزافزون نظری و عملی نسبت به عقاید، افکار و آیین های سایر پیروان مذاهب اسلامی بوده است.

سالها مراوده و معاشرت با انسان هایی که لزوما هم عقیده و هم رای با من نبوده اند ولی با ملاک انسانی و اخلاقی با آنها اشتراک فراوان داشته ام، مرا آموخت که اساس خلقت، تفاوت است و گرنه خدای بزرگ، شب و روز، فصول چهارگانه، اختلاف رنگ و زبان و چهره و حتی سرانگشتان دستان آدمی را قرار نمی داد.

خدای متعال انسان ها را از گروه ها و گونه های مختلف آفرید تا

معرفت انسان را فزونی بخشد . در این 22 سال آموختم که با وجود این تفاوت ها و اختلاف ها ، اما باز هم اشتراکات فراوان است و بدا به حال آنانی که فقط در این زندگانی، اختلافات را می بینند و آنها را بهانه ای برای دوری و دشمنی، در حالی که اختلاف مایه برکت و پیشرفت است و آنچه در ادبیات معنایی و حتی دین مذموم است، تفرقه است نه اختلاف.

اختلاف اساس خلقت آفریدگار است و تفرقه از ابزارهای شیطانی برای جدایی و دوری و دشمنی انسان ها با یکدیگر که خود آدمی گاهی عالمانه و عامدانه و گاهی جاهلانه بر این طبل می کوبد و آنرا عملیاتی می نماید.

وجود پر برکت مرحوم آیت الله محمدعلی تسخیری دارای ابعاد مختلف است، اما به نظرم آنچه برای من الگوی تمام عیار بود بعد اخلاقی ایشان است که وی را در مسیر وحدت و تقریب یگانه و اسوه قرار داده بود. در کنفرانس های مختلف بین المللی مشاهده می کردیم که زمان حضور ایشان فضا به گونه ای ملموس، تغییر می کرد و وجودشان بسان شمعی بود که هم روشنا بخش علمی و فرهنگی آن محفل می شد و هم دیگران را گرد خود جمع می کرد. متانت، صبر، حسن خلق، شنیدن نظرات و آراء دیگران و توجه به نظرات کارشناسی، بینش عمیق، درایت وسیع، درک همه جانبه و رعایت ادب اختلاف در وجودشان موج

می زد.

پرکاری مرحوم آقای تسخیری زبانزد عام و خاص و برای من همیشه الگو بود. هم پرکاری علمی و هم اجرایی. کتابها و مقالات ایشان را بنگرید، چقدر دایره وسیعی را شامل می شود، البته که باید در وجود آیت الله تسخیری این چنین باشد زیرا او دانش آموخته حوزه و دانشگاه است. در حوزه دینی هر دو مکتب مهم فقهی تشیع یعنی نجف و قم را درک کرده است. آن هم کسب دانش از بزرگان خاص هر دو مکتب. در فقه ورود می کند اما در یک باب تخصصی آن متمرکز می شود؛ فقه الاقتصاد. از سوی دیگر در روابط اجتماعی به گونه ای استادانه گام برمیدارد که به حق یک دیپلمات تمام و کامل می شود. در این مسیر و همچنین در مسئله وحدت و تقریب، استاد گفتگو بود. یکی از ارکان و بسترهای تحقق تقریب میان پیروان مذاهب اسلامی و وحدت امت اسلامی گفتگو است و مرحوم آقای تسخیری نظری و عملی مرد گفتگو بود.

با آن که یک عالم شیعه مخلص در ولایت ائمه اهل بیت(ع) بود اما با تاکید بر مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر آن را محور وحدت امت قرار داده بود و این نشانه دوراندیشی و عمق بینش ایشان بود. به نظرم در مجمع تقریب و دانشگاه مذاهب اسلامی باید مطالعه در

آثار نظری و رفتاری ایشان را مدنظر قرار دهند؛ جلسات گفتگو درباره شخصیت شناسی ایشان برگزار شود و مقاله و رساله نگارش شود تا بتوان زوایای علمی و فرهنگی و اجتماعی آقای تسخیری را برای علاقه مندان به عرصه گفتگو و تقریب و وحدت شناساند.

دانش پذیران و دانشجویان و اساتیدی که تازه گام در این مسيرنهاده اند باید با شخصیت آقای تسخیری آشنا شوند.

با وجود تمام دلایل عقلی و نقلی مبنی بر لزوم تقریب و وحدت امت، در طول این 22 سال، وجود آقای تسخیری و تلاش های علمی و عملی ایشان برای من همیشه یک الگو و اسوه و عامل حرکت مستحکم در این مسیر بوده است.